فلسفه

مهدیه سادات نقیبی
گروه اندیشه

از تصویر برگسون تا استعاره بلومنبرگ

ترجمه‌ناپذیر در فلسفه

کانون جهان ایرانی دانشگاه تهران، میزبان نشستی بود با عنوان «ترجمه‌ناپذیر در فلسفه؛ از تصویر برگسون تا استعاره بلومنبرگ» که دکتر سید اشکان خطیبی و دکتر وحید احمدی، دانش‌آموختگان فلسفه دانشگاه تهران، سخنرانان آن بودند. هر دو سخنران بر این نکته تأکید داشتند که تصویر، خیال و استعاره نه بدیل زبان مفهومی، بلکه بخشی بنیادین از خود فلسفه‌اند. عناصری که امکان اندیشیدن به امر ترجمه‌ناپذیر را فراهم می‌کنند و فلسفه را از سکوت، فروبستگی و درماندگی نجات می‌دهند.

وقتی «خیال» سرآغاز اندیشه می‌شود

وحید احمدی با تمرکز بر تاریخ فلسفه، به بررسی جایگاه «تصویر» در نسبت با «مفهوم» پرداخت و نشان داد که چگونه این نسبت، از آغاز فلسفه تا اندیشه معاصر، دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده است. به گفته او، مفهوم تصویر از اولین مراحل تفکر فلسفی، بویژه در یونان باستان، حضوری پررنگ داشته و ذیل عنوان «آیکون» فهم می‌شده است؛ آیکون‌هایی که واجد خاصیتی آیینی و مرآتی بودند و تصویر را نه به‌مثابه امری مستقل، بلکه به‌عنوان بازنمایی چیزی دیگر در نظر می‌گرفتند.

احمدی با اشاره به تداوم این تلقی آیینه‌ای از تصویر تا سده بیستم، توضیح داد که حتی پس از طرح منطق ریاضی نیز تصویر همچنان تابعی بازنمایانه تلقی می‌شد. او در این زمینه به فلسفه ویتگنشتاین اشاره کرد و گفت در این دستگاه فکری، تصویر به‌مثابه تابعی فهم می‌شود که به صورت جزء‌به‌جزء، تابعی دیگر را بازنمایی می‌کند و میان آنها رابطه‌ای یک‌به‌یک برقرار است.

به باور احمدی، همین تلقی بازنمایانه موجب شد «تصویر» در تاریخ فلسفه اغلب جایگاهی فروتر از «زبان مفهومی» پیدا کند. او تأکید کرد که در بسیاری از دوره‌ها، زبان مفهومی حامل حقیقت دانسته می‌شد و تصویر صرفاً سایه‌ای از مفهوم به حساب می‌آمد؛ امری ثانوی که شأن معرفتی آن همواره زیر سؤال بوده است.

این پژوهشگر فلسفه برای گشودن افق بحث، به نمایشنامه «اوپالینوس» اثر پل والری ارجاع داد؛ اثری که گفت‌وگویی میان سقراط و فایدروس را در عالمی پس از مرگ به تصویر می‌کشد. احمدی توضیح داد که در این عالم، نور یکنواختی بر همه چیز می‌تابد و اشیا رنگ‌هایی مرده و مبهم دارند. در این فضا، سقراط خطاب به فایدروس می‌گوید که او، به‌عنوان دوستدار حقیقت، شاید رنج کمتری بکشد، اما فایدروس که دلبسته زیبایی و آفرینش بوده، در این عالم ناتوان و درمانده است.

احمدی این تقابل را نشانه تمایزی بنیادین دانست؛ تمایز میان زیستی که در پی حقیقت است و زیستی که معطوف به ساختن و آفرینش است؛ میان روحی که به حقیقت گرایش دارد و روحی که به تصویر، زیبایی و ساخته‌های انسانی دل می‌بندد.

او سپس به صحنه‌ای محوری در نمایشنامه اشاره کرد که در آن سقراط خاطره مواجهه با شیئی را بازمی‌گوید که دریا به ساحل آورده است؛ شیئی که نه به‌روشنی طبیعی است و نه مصنوعی. به گفته احمدی، سقراط هر چه با توان فلسفی خود می‌اندیشد، قادر به تشخیص ماهیت آن نیست و در نهایت با احساس شرم و درماندگی، شیء را به دریا بازمی‌گرداند. احمدی این صحنه را نماد بحران زبان مفهومی دانست؛ لحظه‌ای که فلسفه مفهومی، مدعی انحصار حقیقت، از داوری ناتوان می‌شود و حتی امکان سخن گفتن از «آرخه» نیز از دست می‌رود، زیرا هنوز معلوم نیست با چه چیزی مواجه‌ایم.

او افزود که مفهوم، به تعبیر ارسطو، دو کارکرد اساسی داشت: هم امکان سخن گفتن مطابق کل را فراهم می‌کرد و هم مرزبندی و حدگذاری را ممکن می‌ساخت. اما در مواجهه با این شیء ایهام‌دار، هر دو کارکرد فرو می‌ریزند و مفهوم، قدرت خود را از دست می‌دهد.

احمدی در ادامه به تحولات فلسفی سده بیستم پرداخت و گفت که در فلسفه‌های مدرن، بویژه رویکردهای نوکانتی، مفهوم، دیگر کلیتی ایستا نیست، بلکه از آغاز با تولید و ساختن همراه است. در این تلقی، مفهوم به منزله قاعده‌ای فهم می‌شود که کثرت‌ها را مطابق خود تولید می‌کند. او برای توضیح این نکته به ریاضیات اشاره کرد و گفت در توابع ریاضی، تحقق مفهوم بدون تولید کثرت‌ها ممکن نیست؛ هر عدد زوج یا فرد، لحظه‌ای از تحقق یک قاعده است و بدون این فرآیند تولید، اساساً مفهومی در کار نخواهد بود.

به گفته احمدی، نتیجه این دگرگونی آن است که خیال و تصویر بار دیگر به سرآغاز اندیشه بازمی‌گردند. تصویر دیگر صرفاً ابزاری برای بازنمایی نیست، بلکه خاستگاهی است که مسیر تولید مفاهیم را تعیین می‌کند. او تأکید کرد که زبان به انسان امکان می‌دهد اشیا را پیش از شکل‌گیری مفهوم به یکدیگر پیوند دهد و در این معنا، خیال دیگر به منزله اوهام فهم نمی‌شود، بلکه توانایی‌ای است که زبان برای آفرینش چشم‌اندازهای گوناگون در اختیار ما می‌گذارد.

احمدی در پایان خاطرنشان کرد، در ذهن انسانی هیچ لحظه‌ای وجود ندارد که در آن تولیدی صورت نگیرد؛ نکته‌ای که به‌زعم او، یکی از نتایج مهم گشت زبان‌شناختی در فلسفه معاصر به شمار می‌آید.

خیال؛ ابزار عبور از محدودیت‌های زبان

سید اشکان خطیبی ابتدا بحث خود را بر عنوان این نشست متمرکز کرد و کوشید نشان دهد ترجمه‌ناپذیری، نه به معنای انسداد معنا، بلکه نشانه گشودگی مداوم اندیشه است. او تأکید کرد که «ترجمه‌ناپذیر» را نباید با «بیان‌ناپذیر» یکی گرفت. به گفته او، ترجمه‌ناپذیر چیزی نیست که نتوان درباره‌اش سخن گفت، بلکه امری است که هر ترجمه‌ای از آن نابسنده است و همواره اقتضای ترجمه‌های بیشتر را در خود دارد.

خطیبی در توضیح این معنا به تعبیر باربارا کاسان، فیلسوف معاصر فرانسوی، ارجاع داد و گفت: ترجمه‌ناپذیر آن چیزی است که «دائماً باید ترجمه شود.»

از این منظر، نه سکوت در برابر آن راه‌حل است و نه فروکاستن آن به یک مفهوم صلب؛ بلکه ترجمه‌ناپذیر، خود محرک اندیشه و گفت‌وگو است.

او سپس به فلسفه آنری برگسون پرداخت و توضیح داد که پروژه فلسفی برگسون، ساختن مابعدالطبیعه‌ای بر پایه شهود است؛ شهودِ «دیرند» یا زمان زیسته که امری یگانه، تکین و شخصی به شمار می‌آید. با این حال، برگسون، به‌رغم تأکید بر شهود، ناگزیر از اندیشیدن و سخن گفتن فلسفی است؛ وضعیتی که خود تنشی بنیادین در فلسفه او ایجاد می‌کند.

> خطیبی: ترجمه‌ناپذیر به معنای بیان‌ناپذیر نیست. ترجمه‌ناپذیر چیزی است که هر ترجمه‌ای از آن نابسنده است و همواره اقتضای ترجمه‌های بیشتر دارد. نه سکوت در برابر آن راه‌حل است و نه فروکاستن آن به مفهوم؛ بلکه ترجمه‌ناپذیر خود محرک اندیشه و گفت‌وگو است

به گفته خطیبی، تصویر در فلسفه برگسون نقشی محوری در حل این تنش ایفا می‌کند. تصویر نه امری نگارین است و نه صرفاً بازنمایی بصری، بلکه «هستی میان» به شمار می‌آید؛ امری که در فاصله میان روان و جهان و میان ادراک و حرکت جای می‌گیرد. او توضیح داد که تصویر، برخلاف مفهوم، وحدت نهایی نمی‌آفریند، بلکه اندیشه را به خاستگاهی می‌برد که در آن هنوز دوگانگی‌ها شکل نگرفته‌اند.

خطیبی با نقل قولی مستقیم از برگسون این نکته را بسط داد که هیچ تصویر واحدی قادر نیست عاطفه اصیلی را که فرد از گذر خویشتن خود تجربه می‌کند، به تمامی منتقل کند. اما مجموعه‌ای از تصاویر متکثر، اگر از حوزه‌های گوناگون وام گرفته شوند، می‌توانند آگاهی را به نقطه‌ای هدایت کنند که شهود در آن پدیدار شود. از نظر او، حاصل این فرآیند، شکل‌گیری «مفاهیم نرمش‌پذیر» است؛ مفاهیمی که از پیش آماده نیستند و متناسب با هر ابژه شکل می‌گیرند، نه آنکه همچون قالب‌های از پیش‌ساخته بر آن تحمیل شوند.

در بخش پایانی نشست، خطیبی با ارجاع به آرای ارنست کاسیرر و هانس بلومنبرگ، جایگاه خاستگاهی تصویر را در فلسفه برجسته کرد. به گفته او، کاسیرر نشان می‌دهد که تصویر در سطحی بنیادین عمل می‌کند؛ سطحی که هنوز تمایزهای مفهومی در آن تثبیت نشده‌اند. بلومنبرگ اما یک گام فراتر می‌رود و نشان می‌دهد که تصاویر، صرفاً خاستگاهی نیستند، بلکه جهت‌مند نیز هستند.

او برای توضیح این تمایز به مثال «تصویر دره» اشاره کرد: دره برای پاسکال سرچشمه ترس و حرکتی عمودی به سوی خداست، حال آنکه برای داوینچی، افقی از امکان و آفرینش به شمار می‌آید؛ فضایی برای آزمودن امکان‌های فنی و طراحی ماشین پرنده. به این ترتیب، تصویر نه‌تنها معنا می‌سازد، بلکه مسیر اندیشه و کنش را نیز تعیین می‌کند.

منبع عکس‌ها: ایبنا

گزارش «ایران» از مراسم نکوداشت محمدعلی مهدوی‌راد

جمع میان سنت‌گرایی و آزاداندیشی

اندیشمندی که خرد حوزوی را به عقلانیت دانشگاهی پیوند زد

بزرگداشت

مرتضی تهوری
گروه اندیشه

آیین نکوداشت مقام علمی، اخلاقی و پژوهشی حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی مهدوی‌راد، با عنوان «در ستایش رادی و خرد»، با پیام رئیس جمهوری، پیام مراجع تقلید و بزرگان علمی و با حضور چهره‌های برجسته حوزه و دانشگاه در محل دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران برگزار شد. از جمله شخصیت‌هایی علمی و اجرایی که در این همایش حضور داشتند آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری؛ نایب‌رئیس مجلس خبرگان رهبری، دکتر حسین سیمایی‌صراف؛ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و دکتر سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بودند که استاد مهدوی‌راد را نمونه‌ای منحصربه‌فرد از جمع میان قرآن و حدیث، پژوهش و آموزش، سنت‌گرایی و آزاداندیشی و علم و اخلاق دانستند و بار دیگر امکان گفت‌وگوی ثمربخش میان سنت حوزوی و نظام علمی دانشگاهی را به تأمل گذاشتند. دکتر محمدعلی مهدوی‌راد از جمله عالمانی است که بیش از نیم قرن حضور مستمر در عرصه علوم قرآنی و حدیثی، پژوهش نقادانه و تربیت نسل‌های متوالی طلاب و دانشجویان، از او چهره‌ای تأثیرگذار در سپهر فکری ایران ساخته است. نقش او صرفاً در تولید متن و کتاب خلاصه نمی‌شود؛ مهدوی‌راد از معماران «اخلاق پژوهش» است؛ اخلاقی که در آن تواضع علمی، نقدپذیری، کتاب‌محوری و پرهیز از شتاب‌زدگی جایگاهی محوری دارد. از این منظر، او حامل یک سنت علمی زنده و وارث یک مکتب فکری پویاست.

علم آمیخته با اخلاق

پیام مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری که توسط حجت‌الاسلام عماد، مشاور روحانیت رئیس‌جمهوری قرائت شد، ناظر بر جایگاه ممتاز استاد مهدوی‌راد بود. پزشکیان در پیام خود با تجلیل از مقام علمی، اخلاقی و اجتماعی استاد مهدوی‌راد، نقش اثرگذار او را در اعتلای معارف اسلامی و علوم انسانی برجسته دانست. هم‌زمان پیام‌های مراجع تقلید و دیگر بزرگان علمی نیز قرائت شد؛ پیام‌هایی که نقطه اشتراک‌شان در تأکید بر جامعیت علمی، سلوک اخلاقی، نگاه نقادانه و زمانه‌شناسی مهدوی‌راد بود.

پیام رئیس دانشگاه تهران نیز این معنا را تکمیل کرد. محمدحسین امید، در پیام خود این آیین را «فرصتی مغتنم برای بازخوانی خدمات ماندگار محققی مدقق» دانست و تأکید کرد: «این آیین بیش از هر چیز باید محملی برای بازخوانی خدمات ماندگار این پژوهشگر کوشا، معلم دلسوز، محقق آزاداندیش و فرهنگ‌مدار دقیق‌النظر باشد که عمر خود را تماماً صرف پژوهش و کاوش در شناخت و بازشناخت میراث گران‌سنگ فرهنگی و دینی کرده است.»

او با اشاره به جامعیت هم‌زمان مهدوی‌راد در علوم متعارف حوزوی و تحقیقات روزآمد دانشگاهی افزود: «چندین دهه تلاش بی‌وقفه و بی‌منت علمی ایشان، همراه با فروتنی، نقدپذیری و خستگی‌ناپذیری، باید الگویی از تعهد اخلاقی به ساحت علم و پژوهش پیش روی همه جویندگان علم قرار گیرد.»

الگوی عالم قرآنی زمانه‌شناس

آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور، در پیام تفصیلی خود به آیین نکوداشت استاد محمدعلی مهدوی‌راد، تصویری چندلایه از جایگاه فکری و علمی این استاد برجسته ارائه کرد؛ تصویری که او را نه صرفاً یک پژوهشگر، بلکه «عالمی اجتماعی، زمانه‌شناس و راهبر پژوهش دینی» معرفی می‌کند.

اعرافی با اشاره به گستره دانش حوزوی مهدوی‌راد تأکید کرد «با وجود تسلط او بر فقه، اصول، ادبیات و شاخه‌های متنوع علوم اسلامی، تمرکز آگاهانه و مستمر بر قرآن و حدیث، به هویت علمی او انسجام و جهت داده است»؛ تمرکزی که از منظر او «نقطه‌ای درخشان در سنت علمی و زیست فکری» مهدوی‌راد به شمار می‌آید.

مدیر حوزه‌های علمیه کشور، یکی از مهم‌ترین امتیازات فکری مهدوی‌راد را درک عمیق او از دو مکتب مهم حوزه علمیه «مشهد» و «قم» دانست و خاطرنشان کرد، «این تجربه دوگانه، به او امکان داده است تا با مشرب‌های گوناگون کلامی، فلسفی، فقهی، حدیثی و تفسیری آشنا شود و نگاهی جامع و غیرتقلیل‌گرایانه به معارف اسلامی پیدا کند.» از نگاه اعرافی، این جامعیت نه در سطح دانستن، بلکه در سطح «تنظیم هوشمندانه اولویت‌ها» متجلی شده و همین امر مهدوی‌راد را به چهره‌ای اثرگذار در گفت‌وگوی علمی حوزه و دانشگاه تبدیل کرده است.

اعرافی همچنین با تأکید بر نقش مهدوی‌راد در راهبری پروژه‌های کلان پژوهشی و مدیریت زیرساخت‌های علمی، او را نمونه‌ای از «مدیر اندیشه» توصیف کرد؛ عالمی که اگرچه وارد مدیریت‌های اجرایی مرسوم نشده، اما در هدایت جریان‌های پژوهشی، کار جمعی و پروژه‌های ملی علمی حضوری مؤثر، منضبط و راهگشا داشته است. به باور او، این توانایی مدیریتی در کنار اخلاق پژوهشی، نگاه بین‌المللی و تعهد علمی، موجب شده است آثار و شاگردان مهدوی‌راد در پهنه وسیع‌تری از حوزه‌های علمی و فرهنگی اثرگذار باشند.

در پایان، آیت‌الله اعرافی تأکید کرد، «آنچه به همه این ویژگی‌ها معنا و ماندگاری می‌بخشد، سلوک اخلاقی، روحیه معنوی و منش مردمی استاد مهدوی‌راد است؛ ویژگی‌هایی که او را به الگویی روشن از «عالم قرآنی متعهد به جامعه» در ایران معاصر بدل کرده و جایگاهش را فراتر از یک فرد، در قامت یک سنت علمی قابل تداوم، تثبیت کرده است.»

از ویژگی فردی تا جایگاه اجتماعی

در بخش گفت‌وگوی استادان، پنلی با حضور دکتر احمد واعظی، رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دکتر رسول جعفریان و دکتر مجید معارف، برگزار شد. احمد واعظی با تمرکز بر ابعاد شخصیتی دکتر مهدوی‌راد گفت: «استاد مهدوی‌راد این جایگاه، منزلت و شأنی را که در حوزه و دانشگاه پیدا کرده، مرهون ویژگی‌های فردی‌شان مانند خلوص، ایمان و کار جمعی است. زمانه‌شناسی نیز مهم‌ترین شاخصه ایشان است. او مصداق عالمی است که علم، اخلاق و مسئولیت اجتماعی را توأمان در سلوک علمی خود متجلی کرده است.»

رسول جعفریان، استاد دانشگاه تهران، مهدوی‌راد را نمونه‌ای کم‌نظیر از «کتابخوانی پایدار و نقدپذیری سازنده» توصیف کرد و با اشاره به نقش او در مدیریت مجمع کتابخانه‌های تخصصی قم، گفت: «او بیش از ۳۰ سال است که کتابخانه‌های تخصصی را با بیش از ۵۹۵ هزار جلد کتاب مدیریت می‌کند. حافظه بسیار قوی، علاقه عمیق به کتاب، نثر زیبا و مطالعات گسترده در علوم قرآنی و غیرقرآنی دارد. ایشان علاوه بر قرآن و حدیث، آثار برتر ادبیات جهان را نیز مطالعه کرده و نقد و تحلیل‌های خود را با رعایت اخلاق علمی ارائه می‌دهد.»

جعفریان؛ اعتدال، سازگاری و نقدپذیری را از دیگر ویژگی‌های مهدوی‌راد دانست و تأکید کرد، این خصائص باعث شده است «حتی در مواجهه با چالش‌ها، هرگز از مسیر پژوهش و آموزش منحرف نشود.»

> استاد مهدوی‌راد، عالمی اجتماعی و درگیر با مسائل فکری، فرهنگی و تاریخی ایران معاصر است؛ اما آنچه به همه دستاوردهای علمی او صفا و ماندگاری می‌بخشد، اخلاق متعالی، سلوک مردمی، فروتنی و روحیه معنوی اوست که علم را به مسئولیت اجتماعی و اخلاق پژوهش پیوند می‌زند

رونمایی از دو اثر و تکریم یک مکتب

برش

در پایان این مراسم از دو کتاب «ارج‌نامه استاد مهدوی‌راد» و «دیدار با مفسران» رونمایی شد؛ آثاری که بازتاب‌دهنده جایگاه علمی و تأثیرگذاری فکری او در حوزه علوم قرآنی و حدیثی است. اما آنچه در مجموع سخنرانان برجسته شد، تکریم یک «مکتب فکری» بود؛ مکتبی که بر نقد عالمانه، اخلاق پژوهشی، خدمت بی‌منت به علم و پیوند وثیق حوزه و دانشگاه استوار است. این مراسم بار دیگر یادآور شد که در سنت علمی ایران، ماندگاری نه صرفاً محصول کثرت آثار، بلکه نتیجه پیوند علم با اخلاق و تواضع است؛ سنتی که حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی مهدوی‌راد، به‌حق، از نمایندگان روشن آن در روزگار ماست.

شیرین احمدنیا، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران:

اعتراضات حامل پیام‌های اجتماعی‌اند که باید شنیده شوند

تحلیل

حمیدرضا حبیبی
گروه اندیشه

در روزهایی که اعتراض‌های صنفی به یکی از مسائل محوری افکار عمومی بدل شده است، دکتر شیرین احمدنیا، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، در یادداشتی با عنوان «ضرورت رصد و تحلیل اعتراضات مردمی» کوشیده است نگاه جامعه‌شناختی به این پدیده را از ورای هیجان‌های سیاسی و روایت‌های ساده‌انگارانه بازخوانی کند.

نقطه عزیمت تحلیل او، تأکید بر این نکته بنیادین است که اعتراض‌های اجتماعی رخدادهایی ناگهانی، گسسته یا صرفاً واکنشی نیستند؛ بلکه برآمده از لایه‌های انباشته تجربه زیست روزمره، انتظارات برآورده‌نشده و شیوه‌های کنش در چهارچوب ساختارهای اجتماعی‌اند. از این منظر، اعتراض نه یک «استثنا»، بلکه شکلی از صورت‌بندی اجتماعی است که باید فهم شود، پیش از آنکه مورد قضاوت قرار گیرد.

جامعه‌شناسی در مقام فهم، نه داوری سیاسی

احمدنیا با یادآوری جایگاه «جامعه‌شناسی» به‌عنوان دانشی توصیفی ـ تحلیلی، مرز روشنی میان «تحلیل علمی» و «داوری سیاسی» ترسیم می‌کند. جامعه‌شناسی، در این نگاه، مأمور صدور نسخه یا اتخاذ موضع نیست، بلکه وظیفه‌اش «فهم» سازوکارهایی است که به بروز کنش‌های جمعی می‌انجامد. بنابراین همین تمایز، اهمیت رویکرد علمی را در زمانه غلبه تفسیرهای شتاب‌زده و تک‌علتی برجسته می‌کند.

کانال‌های رسمی بیان مطالبات

در تحلیل او، اعتراض به‌عنوان نوعی «ارتباط اجتماعی پرهزینه» تعریف می‌شود؛ شکلی از پیام‌رسانی جمعی که زمانی فعال می‌شود که کانال‌های نهادی، صنفی یا مدنی بیان مطالبات از نگاه بخشی از جامعه ناکارآمد یا کم‌اثر تلقی شوند. این تعریف، اعتراض را نه صرفاً «کنش اعتراضی»، بلکه حامل معنا و «درخواست شنیده‌شدن» معرفی می‌کند؛ معنایی که بدون توجه همزمان به زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، نسلی و وضعیت سرمایه اجتماعی قابل درک نیست.

چرا ساده‌سازی پدیده‌های اجتماعی پرمخاطره است؟

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران در عین حال نسبت به خطر ساده‌سازی هشدار می‌دهد. تجربه تاریخی نشان داده است که تقلیل پدیده‌های پیچیده اجتماعی به روایت‌های هیجانی یا تک‌علتی، نه‌تنها به حل مسأله کمکی نمی‌کند، بلکه خود به بازتولید سوءتفاهم و تشدید شکاف‌ها می‌انجامد. این هشدار، در واقع نقدی ضمنی به فضای غالب رسانه‌ای و سیاسی است که اغلب از چنین ساده‌سازی‌هایی تغذیه می‌کند.

نقش «گفت‌وگو» در بازسازی اعتماد اجتماعی

در افق پیشنهادی احمدنیا، «گفت‌وگو» و «بازسازی اعتماد» جایگاهی محوری دارند. نگاه جامعه‌شناختی، به‌جای انکار یا تقابل، بر تقویت پل‌های ارتباطی میان گروه‌های اجتماعی تأکید می‌گذارد؛ امری که بنا بر پژوهش‌های تطبیقی و تجربی، یکی از عوامل کلیدی پایداری اجتماعی در جوامع متکثر به شمار می‌آید. او تصریح می‌کند که این تأکید، توصیه‌ای سیاسی نیست، بلکه نتیجه یافته‌های علمی است.

علم اجتماعی؛ چراغی برای دیدن دقیق‌تر واقعیت

او در جمع‌بندی تحلیلش، تصویری امیدوارانه اما واقع‌بینانه از جامعه ایران ارائه می‌دهد؛ جامعه‌ای برخوردار از سرمایه‌های انسانی و فرهنگی که نیازمند رویکردهایی است که پیچیدگی‌هایش را به رسمیت بشناسد. علم اجتماعی، به تعبیر او، قرار نیست نسخه‌های فوری بپیچد، اما می‌تواند چراغی برای دیدن دقیق‌تر واقعیت باشد؛ نقشی حداقلی اما ضروری در زمانه‌ای که بیش از هر چیز به فهم عمیق نیاز دارد.

> شیرین احمدنیا تصویری امیدوارانه اما واقع‌بینانه از جامعه ایران ارائه می‌دهد؛ جامعه‌ای که نیازمند رویکردهایی است که پیچیدگی‌هایش را به رسمیت بشناسد. علم اجتماعی، قرار نیست نسخه‌های فوری بپیچد، اما می‌تواند چراغی برای دیدن دقیق‌تر واقعیت باشد